

# سپاس برای نشر کتاب « معنای قرآن »

فرزند شائسته و ممتاز عصر افغانستان جناب عزیز جرئت!

با درود های گرم ؛ نسبت نشر به موقع کتاب « معنای قرآن » این سپاس نامه خالصانه را از من بپذیرید .  
من و مردم و جوانان کشور پیش از این نیز از خدمات سترگ و قهرمانانهء مشابه شما برخوردار شده  
بودیم ؛ ولی این مورد برازنده گی ی خارق العاده دارد . شما خود میدانید که منظور من چیست و امید  
وارم دیگران هم از فیض چنین شعوری برخوردار باشند و برخوردار شوند .  
برای اینکه بازهم همه چیز روشن شده باشد و مبرمیت امر مورد تأکید شایان قرار گیرد ؛ توجه ها را به  
سند زیر جلب میدارم :

.....

سری ؛ خاص و رأساً

رفیق و برادر عزیز و نادره ام جناب ..... !

با تقدیم سلام ها و احترامات و سپاس های فراوان ؛ آرزو مندم در کمال تندرستی و رواندرستی و  
شادابی باشید و با فامیل گرمی و فرزندان ناز تان خوش و خرم به سر برید .  
میدانم شما هم سخت مصروف هستید و منکه خیال میکنم ، همین ساعت و در نهایت همین روز را در  
اختیار دارم و باید هرچه ممکن است ؛ کار های خود را به جایی برسانم .  
دغدغهء بزرگ من کتاب «معنای قرآن » است . این اثر بیش از پیش غنا و پهنا می یابد و به چیز هایی مرا  
میرساند که از یکسو در وصف دهشتناکی آن کلمه نمی یابم و از سویی از دریافت و توانایی حد اقل به  
کرسی نشاندن آن ها دچار هیجانات ناگفتنی میشوم .  
آرزو مندم در همین ماه رمضان که حسب عقاید قرآنی ماه نزول قرآن است ؛ معنای آنهم نازل شود یعنی  
که به نشر برسد .

عزیز جانم !

منکه نه تنها توقع امتیازی از این و سایر آثار خود ندارم ؛ بلکه مسلم میدانم قربانی ی آن ها خواهیم شد  
و بدون آنهم از نظر طبیعی چندان وقتی برایم باقی نمانده است ؛ ولی اگر کتاب « خیانت به سوسیالیزم »  
را مرور کرده باشید ؛ بهتر متوجه میشوید که همچو آثار و اقدامات یا « خیانت » به جریان تاریخی -  
جهانی است که ما خواهی نخواهی به آن تعلق داریم و یا « امتیاز و فرصت » .

شاید کسی با معنای « امتیاز » مشکل نداشته باشد ولی با معنای « فرصت » همه گان بی مشکل نیستند .  
« فرصت » بیشتر عنصر فرار « زمان » را افاده میکند و لذا ما در حالی می توانیم از فرصت و « امتیاز  
فرصتی » بهره ببریم که حتی ثانیه ای از زمان را از دست ندهیم .

در شرایطی که قوای نظامی و توان مالی و سیاسی و اخلاقی آنان که حد اقل وضع موجود در افغانستان  
و منطقه را می توانستند حفظ کنند ؛ رو به تحلیل و فرسایش سرسام آور گذاشته است و هیچ بعید نیست  
که آنان افغانستان را به پاکستان و آی اس آی بسپارند و گور خود را گم کنند ؛ جز تجدید و تشدید  
سلطه بر منشانه زیر نام و پرچم اسلام و قرآن در افغانستان و به مرور در کل منطقه وریانته باقی  
نمی ماند .

این وضع آسیای میانه ، روسیه ، چین و هند و حتی ایران را نه فقط ناآرام و بی ثبات میسازد بلکه  
ممکن است موجب لشکر کشی های حضرت عمری به همه این سرزمین ها گردد و اینکه سرانجام چه پیش  
می آید و آیا آن وضع با دنباله های فاشیزم هیتلری قابل مقایسه خواهد بود و یا نه ؛ فقط قابل اندیشه  
است !

درین حال و احوال بازشناسی قرآن و محمد از زاویه کلام دینی و با پشتوانه منطق و میتود های اثبات  
و اقتاع سایننتفیک و نشر و اشاعه درست و خردمندانه و مدبرانه آن تا سطح مکاتب و مدارس و حوزه های  
علوم دینی و ترجمه دقیق و اشاعه آنچنانی آن به سایر بلاد و جماعات معتقد قرآن و دوستدار محمد ؛  
همان « امتیاز و فرصت » است که ما جناح متقابل و مورد هجوم ارتجاع مذهبی ی منافقانه ؛ داریم !  
گفتم : منافقانه ! این ؛ حسب قرآن چیزی دو مرتبه بدتر از « کفر حربی » است و با کتاب « معنای قرآن »  
همین منافقت عظیم 14 قرنه است که افشا و خنثی و در صورت اشاعه لازم آن به جهان اسلام ؛ بی اثر  
میگردد .

خوب . شاید بخت بد پرچمداران و انقلابیون افغانی و جهان اسلامی و فراتر از آن است که این کار  
توسط عالم افتخار انجام شده که بت ها و بت پرستان به وی نظر خوشی نداشته اند و ندارند و یا می  
بایستی از دهلیز های انترناسیونال 3 و 4 ... هوکی بگیرد و ببینیم ؛ منافاتی با ماتریالیزم دیالکتیک و  
ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر دارد یا چطور؟

نمی خواهم زیاد درد سر تان دهم . موضوع چنین و بدتر از این است . مثلاً قرار هایی داشتیم با ..... که  
سابقه آن به سه سال پیش بر میگردد ، همه در سکوت و غفلت و وقت کشی هیچ گردید و اخیراً عده  
ای از آشنایان تاجر پیشه که از نشر کتاب « گوهر اصیل آدمی » دچار احساسات شده و حرکتی کرده  
بودند که تا وجهی فراهم نمایند و کتاب را به ده هزار نسخه چاپ کنند ؛ تعجب می کنید که جناب .....  
چطور موفق شد ؛ این حرکت را خنثی نماید . چرا که در ..... و فراتر از آن ؛ او ، بز است و متأسفانه  
دیگران گوسفند و ناگزیر در همچو موارد باید نگاهی هم به میل و رغبت بز انداخت .

در همین رابطه آخرین نامه را که عنوانی جنرال .... است خدمت تان پست کردم ؛ چون ایشان رابط انترنیته ما تشریف داشتند . پس از این نامه سکوتی پدید آمده که انکار یا من یا طرف مقابل یا همه اصلاً مرده ایم !

مردگان را بگذارید به حال ؛ شان ! فقط به زنده گی و زنده گان بیاندیشیم که آنهم بسیار به شخص های شخیص ما محدود و منوط نیست . اینجا سؤال ملت ها و نهضت ها و خلق ها و تاریخ در میان است . بدینجهت با مسئولیت تاریخی از شما آرزو میکنم که گذشته از هزار کار هول ؛ ولو اگر آزموده را آزمودن هم خطا باشد ؛ در حدود توان خود با مدعیان مورد نظر در زمینه ارتباط ها و تفاهماتی برقرار کنید و گردن خود را خلاص نمائید که این ؛ یک **شانسی** و **امتیاز** و **فرصت** است .

اجازه دهید من در مورد ؛ کلمات وصفی به کار نبرم . اگر اشکال در این باشد که کتاب از نام من انتشار می یابد و من برنده و آنان بازنده میشوند ؛ لطف کنند نام هرکی را دوست دارند ؛ بر سر آن بگذارند . بی نام انتشارش دهند ولی انتشار دهند ؛ در همان سطحی که قبلاً عرض کردم و الا ...

پیروز و بهروز باشید

عالم افتخار \_ 2010/8/18

.....

جناب جرئت عزیز !

این نامه هم تا کنون جواب و اثری نداشته است و ندارد . چنین امری از پیش برایم معلوم و مبرهن بود . عزیزی که این نامه به وی ارسال شده است ؛ نه تنها در موقعیتی نیست که چنین کارهایی را به سامان رساند ؛ بلکه اصلاً در گسترهء به اصطلاح نهضت چپ و ملی و دموکراتیک ؛ چنین فضا و یارایی وجود ندارد ! و بیشتر هم رفقا ؛ از شنیدن همچو پیروزی ها و ثمرات نهضت و متعلقات آن ؛ دچار بیخوابی ها و گرفتاری های روانی می گردند ؛ البته مشروط به اینکه شعور لازم برای ادراک آن ها را داشته باشند ؛ تصور نمی فرمائید که این عطیه نزد بزرگان ! ما خیلی کم باشد !؟

به هر حال ؛ به گمانم که از این نمد چندان کلاه درست نمیشود . صفحات سایت بزرگ آریایی بیش از هر چیز دیگر ؛ همین حقیقت را ثبت کرده می رود و همین شماره خیلی ها گویاست !

تحت همچو فضا و ماحول است که من شما را ممتاز و فرزند شائستهء عصر ما خواندم . هیچ انقلابی ی آتش پر چه که دعوایی خدایی هم دارد ؛ با آن سخاوت و شهامت یک اثر ماوراء استراتیژیک عمیقاً مرتبط به ایمان و وجدان یک و نیم میلیارد انسان جهان ؛ و در قید چنگ و دندان ددمنش ترین قدر قدرتان را چنان قهرمانانه ظرف ساعاتی چند نمیتوانست به دست امواج نوری ی جهانناز بسپارد !

درست است که من وظیفه خود را شناخته و آخرین ساعات عمرم را علی الوصف هزار معضله فقط وقف آن کرده ام و هرگز - حتی از تاریخ که بالاخره چند کم مایه آن را خواهند نوشت و تحمیل خواهند کرد - انتظار قدر دانی و پاداش را ندارم .

ولی درعین حال نمیتوانم گر و کور باشم . به طور یک کل تقریباً مسلم میدانم که مدعیان رهبری که عناصر چپ را به صد دسته تقسیم کرده اند ؛ عمدتاً به آی اس آی مربوط اند و یا امراض شان آنان را به ساز آی اس آی و قبله گاهش - شریک ترین جناح سی آی ای و موساد و مماثل ها - تاو و بیچ میدهد .

100 - 120 حزب سیاسی ؛ 50 و بیشتر کاندید ریاست جمهوری .... یعنی آی اس آی ؛ منظور آی اس

ای و مراد آی اس آی ؛ و چون ریاضی دان نیستم نمیگویم ISI =

من ؛ البته که نومید مطلق نیستم . این رهبران و رهبر تراشیده شده گان قسماً به طور طبیعی شر خود را کم می کنند و قسماً زیر ثقل خیانت و جنایت خود علیه نهضت و وطنی چنین در تهلکه ؛ سرنگون خواهند شد . و آینده وطن و نهضت را کار و فداکاری بی شائبهء همچون شما عزیزان به نیکویی و روشنایی خواهد گشود .

بدین جهت هرچه برایتان سپاس بگویم و از شما تقدیر نمایم ؛ آینده گان مبالغه و مداهنه تصور نخواهند کرد .

دست مهربان شما را می فشارم و روی زیبای تانرا می بوسم .

افغانستان - 31 اگست 2010 - 9 سنبله 1389

محمد عالم افتخار

با نظر داشت نزدیک شدن روز توطئه کثیف صیهونیستی قرآن سوزی - 11 سپتامبر - و به لحاظ اینکه متن دری ی پیشگفتار و خطاب جهانی در قسمت انگلیسی ناخوانا آمده و متن جدید متفاوت تر است ؛ من و دوستان هم منتها درجه کوشش داریم نام آریایی و لینک کتاب را به سراسر دنیا مخابره کنیم ؛ تمنا دارم ؛ اگر میسر باشد ؛ این دو تکست را طور فوق العاده و برجسته تر درج فرمائید . فقط خواهش است ؛ امکانات ؛ و تصمیم پیش شما و حق مسلم و بلامنازع خود شماست !